

بررسی احساس امنیت شهروندان در شهر کاشان

سید کمال الدین موسوی^۱

استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان

مطهره کرباسی

کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی احساس امنیت شهروندان و برخی عوامل موثر بر آن انجام شده است. این پژوهش به روش پیمایشی در پاییز ۱۴۰۲ و در شهر کاشان انجام گرفته است. جمعیت نمونه پژوهش شامل ۱۱۹ نفر از شهروندان ساکن کاشان هستند که به شیوه نمونه گیری خوشه ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان داد میزان احساس امنیت در جامعه مورد بررسی پایین و کمتر از حد متوسط است. همچنین، میان متغیرهایی چون جنسیت، میزان استفاده از رسانه های نوین و نحوه ارزیابی افراد از کنترل و نظارت های دولتی در خیابانها با میزان احساس امنیت رابطه وجود دارد. اما وضع تاهل، سن، سرمایه فرهنگی، و وضعیت اقتصادی در میزان احساس امنیت پاسخگویان نقشی نداشته اند. **واژگان کلیدی:** احساس امنیت، سرمایه فرهنگی، وضع اقتصادی، رسانه های نوین

^۱ نویسنده مسئول: okna8062@yahoo.com

امنیت یکی از ارکان اساسی هر جامعه است از اینرو کشورها برای دستیابی به آن هرکاری که بتوانند انجام می دهند. گیدنز امنیت را مصونیت در برابر خطر تعریف کرده و خطر و امنیت را دو روی یک سکه می داند به گونه‌ای که وقتی امنیت وجود دارد خطر رخت بر می‌بندد اما زمانی که باخطر دست و پنجه نرم می‌کنیم، امنیت مغشوش و پنهان است. (گیدنز، ۱۳۷۷). بدون تردید، انسانها برای سلامتی جسمی و روحی خود نیازمند حداقلی از امنیت هستند زیرا در نا امنی انواع آسیب های روحی، جسمی، اقتصادی فرهنگی و سیاسی رخ داده و هرکسی بنوعی گرفتار پیامدهای تلخ و ناگوار می گردد. با وجود امنیت، به لحاظ سیاسی مرز های کشور از بیرون و حقوق شهروندان در داخل مورد تجاوز قرار نخواهد گرفت، بلحاظ فرهنگی میراث و سرمایه های فرهنگی جامعه کمتر آسیب می بیند، از لحاظ اقتصادی نیز غارت اموال و منابع و سرمایه های اقتصادی کمتر بروز خواهد کرد، بویژه اینکه، در شرایط نا امنی، گروههای ضعیف تر همچون سالمندان، زنان و کودکان در معرض خطر و آسیب بیشتری قرار می گیرند زیرا مانند بقیه نمیتوانند از خود دفاع کنند. در یک نگاه، بخش ضعیف و بی پناه جامعه قربانیان اصلی عدم امنیت اند.

مفهوم امنیت دارای دو جنبه اساسی و مهم است: یکی جنبه عینی و دوم جنبه ذهنی و ادراکی. جنبه عینی امنیت به معنای عدم وجود تهدید و خطرات آشکاری است که به جان و مال انسانها آسیب می زند مانند جنگ، ترور، خشونت فیزیکی، قتل یا سرقت و و هرچه در جامعه ای موارد ذکر شده کمتر باشد، طبعاً بلحاظ عینی از امنیت بیشتری برخوردار است. جنبه ذهنی و ادراکی امنیت به معنای عدم وجود ترس یا نگرانی از وقوع جنگ، ترور، خشونت، قتل، و یا سرقت های احتمالی است بنابراین، ممکن است در کشوری ظاهراً جنگ نباشد اما ترس از یک جنگ احتمالی با دیگر کشورها همواره بر جامعه سایه انداخته باشد. ممکن است ظاهراً جامعه آرام باشد اما مردم از وقوع ناگهانی ترور، خشونت در خیابان، قتل، سرقت، تجاوز و ... نگران جان و مال خود بوده و احساس امنیت نداشته باشند. از اینرو، مفهوم امنیت از یکسو شامل وضعیت های کاملاً ذهنی، درونی و احساسی است و از سوی دیگر در بردارنده شرایط و وضعیت های کاملاً عینی، آشکار و بیرونی است.

نوع نگاه به امنیت نیز در بین مردم و دولت یکسان نبوده و بایکدیگر تفاوتهایی دارد. امنیت از نظر دولت ها، توان کنترل و نظارت بر محیطی است که بر آن حکومت میکنند، یعنی هرچه قدرت حکومت و توان کنترلی آن بر جامعه بیشتر باشد نتیجه آن امنیت بیشتر برای جامعه خواهد بود. اما از نظر مردم، امنیت به معنای نظارت و کنترل دولت بر زندگی افراد نیست زیرا می باید فضایی برای حفظ حریم شخصی افراد، آزادیهای مدنی و حقوق شهروندی وجود داشته باشد تا مردم بتوانند در زندگی روز مره خود احساس امنیت کنند. مردم بویژه جوانها در صورتی احساس امنیت می کنند که فارغ از میلیونها دوربین کنترلی و هزاران پلیس و ماموران لباس شخصی و ... آزادانه بتوانند مثل تمام مردم دنیا در فضاهای عمومی و خصوصی با دیگران تعامل داشته باشند، هم غذا شوند، جشن بگیرند، بازیها و شادیهای دسته جمعی داشته باشند، انتخاب لباس مناسب برای فصلها و محیط های گوناگون را داشته باشند و خلاصه اینکه، بتوانند یک زندگی آزاد و انسانی را تجربه کنند. اما وقتی حلقه نظارت و کنترل دولتها به اشکال گوناگون وارد مرزهای حریم خصوصی افراد شده و حریمی برایشان نمی گذارد، طبعاً خود به یک مزاحم و مخل امنیت شهروندان تبدیل خواهد شد، یعنی مردمی که تا دیروز صرفاً نگران دزدان و قاتلان و کلاهبرداران خیابانی بودند، هم اینک ترس ناشی از ورود به حریم خصوصی، دخالت و تجسس در امور شخصی، محدودشدن انتخابهای فردی و نقض حقوق اولیه خود توسط نهادهای نظارتی و کنترلی نیز به ترسهایشان افزوده می شود. در چنین حالتی، ظاهراً شاید همه جا ظاهراً آرام و امن بنظر برسد اما زیر پوست جامعه احساس ناامنی وجود مردم را پُر کرده است. جوان از اینکه لباسی را که دوست دارد بپوشد اما ممکن است بیرون از خانه برایش دردسر ساز شود نگران است، یا از اینکه در خیابان و پارک و کلاس و رستوران به فرد مورد علاقه اش ابراز عشق و علاقه کند می ترسد. فروشنده از اینکه چه لباسی را در ویتترین بگذارد تا برایش مشکل ایجاد نشود نگران است، معلم و استاد از اینکه سخنانشان در کلاس برایشان دردسر ساز نشود دغدغه دارند،

مادر و پدرها از اینکه دخترشان در مدرسه گرفتار برخوردهای غیرآموزشی شود پریشان و نگران اند، کارگر، معلم و بازنشسته و... از اینکه حقوق ادا نشده خود را طلب کنند نگرانند تا مبدا خواسته های صنفی آنان پیامدهای تلخ برایشان به همراه بیاورد، اقلیت های دینی و قومی از مطالبه حقوق شهروندی خود نزد مسئولان نهادها و سازمانها واهمه دارند و خلاصه در هر گروهی از شهروندان شکلی از احساس نا امنی و نگرانی در باره فردای خود موج می زند.

چنانچه می دانیم کاشان یک شهر مذهبی، سنتی و بسیار فعال بلحاظ اقتصادی است و از اینرو، احساس آرامش و امنیت برای خانواده های کاشانی بسیار مهم است زیرا بدون امنیت، کار و فعالیت در این شهر کارآفرین ممکن نیست. طی سالهای اخیر طی سالهای اخیر جمعیت فزاینده کودکان کار یکی از مشکلاتی است که این شهر با آن روبرو شده است. کودکانی که در خیابان و سر چهار راه ها سرگردان هستند و آینده درخشانی در انتظارشان نیست. این کودکان از مشکلات مالی رنج می برند و با اجبار بزرگسالان به شکل پراکنده و یا سازماندهی شده به کارهای مختلف در خیابانها مشغول و از اینطریق خانواده های خود را حمایت مالی می کنند در نتیجه فرصتی برای درس خواندن ندارند، اما نکته مهمتر این است که این کودکان ظرفیت آنرا دارند تا کم کم به افرادی بزهکار تبدیل شوند و این مساله می تواند بتدریج باعث کاهش امنیت شهر و احساس امنیت شهروندان شود. علاوه بر این، قاچاق مواد مخدر که در برخی محله های شهر کاشان صورت می گیرد نیز امنیت عمومی را دچار اختلال و بویژه جوانان و کودکانی که در این محیط ها زندگی میکنند را آسیب زده و قربانی میکند. علت آن است که کودکانی که در سطح شهر دست فروشی می کنند بیش از دیگران در معرض سوء استفاده برای قاچاق و جابه جایی مواد مخدر قرار دارند. یکی از این محیط ها در کاشان محله "عُربتی ها" است که برای افراد عادی نیز عبور و مرور در آنجا همراه با احساس خطر و نا امنی است زیرا همیشه افرادی هستند که میخواهند مواد مخدر خود را به عابران بفروشند. مواردی که ذکر شد گوشه ای از مشکلاتی است که در کاشان وجود دارد و امنیت را مختل و احساس امنیت و آرامش را از شهروندان سلب می نماید. این مسایل از یکسو اقتصادی، و از سوی دیگر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اند، بخشی از آنها برونزاد و ناشی از حضور فزاینده مهاجران غیر بومی برای کار در این شهر است و بخشی نیز درونزاد و مرتبط با خصوصیات اجتماعی فرهنگی مردم کاشان است، اما دلایل مشکلات هرچه باشند بهر حال می تواند بر روی احساس امنیت موثر باشند.

درک و احساس مردم از امنیت در هر جامعه ای شبیه یک علامت هشدار عمل می کند. علایم هشدار همواره مارا نسبت به آنچه ممکن است دیر یا زود اتفاق بیفتد آگاه ساخته و امکان پیشگیری از بسیاری آسیب ها را فراهم می سازند. چنانچه مازلو و دیگران گفته اند احساس امنیت یکی از نیازهای وجودی انسان پس از نیازهای زیستی مثل غذا و پوشاک است. احساس امنیت بستری است که امکان آینده نگری و برنامه ریزی برای بهزیستی را فراهم می کند و فقدان احساس امنیت در اعضای یک جامعه نشانه بحران و فاجعه خواهد بود زیرا تمامی فعالیتهای روز مره را تحت تاثیر منفی خود قرار داده و جامعه را فلج می کند. شهر کاشان هم اینک خاستگاه جامعه ای است در حال گذار که در سالهای اخیر تغییر و تحولات اقتصادی، و التهابات سیاسی، فرهنگی متعددی را تجربه کرده و از اینرو، مونیتورینگ یا ترسیم وضعیت جامعه در ابعاد گوناگون یک نیاز پژوهشی به شمار می رود. بنظر می رسد در این سالها، نگرش و احساسات مردم نسبت به موضوعات مختلف مانند سیاست، دین، روحانیت، پلیس و از جمله امنیت دستخوش تغییر شده و جامعه امروز دیگر همچون سالهای قبل به امنیت نمی نگرد بلکه همه چیز در اذهان مردم تغییر کرده و درک و فهم آنها از این موضوعات عوض شده است بنابراین باید این تحول را به خوبی شناخت و فهمید. در این میان، مطالعه درک و احساس جدیدی که مردم کاشان اعم از جوان و بزرگسال، دختر و پسر، بی سواد و با سواد، ثروتمند و فقیر و... نسبت به امنیت پیدا کرده اند از این جهت بسیار مهم و ضروری است که پایه و اساس بسیاری از تصمیمات، برنامه ریزی ها و فعالیت های مردم در آینده را همین نوع احساسات شکل خواهد داد. چه بسا در برخی گروههای سنی، جنسی، تحصیلی و... میزان احساس امنیت بسیار وخیم و به سطح هشدار رسیده باشد ولی خانواده ها و

یا نهادهای مسئول نسبت بدان آگاهی نداشته و در نتیجه در آینده ای نزدیک شاهد پیامدهای تلخی در افراد وابسته به آن گروه اجتماعی باشیم. بر این اساس است که پژوهش حاضر موضوع احساس امنیت شهروندان را در کاشان مد نظر قرار داده است.

مبانی نظری

در آراء صاحب نظران، معادل تقریبی احساس امنیت را می توان در مفهوم امنیت وجودی^۲ که گیدنز مطرح ساخته پیدا کرد. گیدنز با طرح مفهوم امنیت وجودی به عنوان یکی از اشکال مهم امنیت از ضرورت وجود آن برای مقاومت در مقابل هجوم گسترده و بی سابقه مخاطرات نهادهای مدرن سخن می گوید. امنیت وجودی از نظر گیدنز، عبارت است از: ایمن بودن، و در اختیار داشتن پاسخ هایی در سطح ناخودآگاه و نیز یکنوع خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش های وجودی که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده اند. (نویدینا، ۱۳۸۴). گیدنز در اینکه امنیت وجودی چگونه حاصل می شود مفهوم اعتماد بنیادین را مطرح می کند. اعتماد بنیادین^۳ تشکیل دهنده رابطه ای است که در آن جهت گیری عاطفی و شناختی به سوی دیگران و دنیای عینی است و همچنانکه بر اثر توجهات محبت آمیز نخستین مراقبان و سرپرستان کودک نطفه بندی می شود، بتدریج هویت فرد را به نحوه برخورد های دیگران وابسته می سازد. (گیدنز، ۱۳۸۱). در واقع، بسته به اینکه امنیت وجودی بر پایه اعتماد بنیادین چگونه در افراد شکل گرفته باشد می تواند میزان احساس امنیت در انسانها را نسبت به محیطی یا اجتماعی که در آن به سر می برند رقم بزند.

رویکردها و نظریات جامعه شناختی و روان شناختی از جنبه های مختلف به بررسی و تبیین امنیت و احساس امنیت پرداخته اند که تشریح تمامی آنها خارج از حوصله این نوشتار خواهد بود اما با توجه به مختصات فرهنگی جامعه هدف یعنی شهر کاشان، اشاره به برخی نظریه ها مفید و سودمند است. در بین کلاسیک های جامعه شناسی، دورکیم و نظریه همبستگی^۴ او با موضوع احساس امنیت رابطه تنگاتنگی دارد زیرا وجود همبستگی می تواند زمینه های احساس امنیت را در جامعه هموار سازد. وجود مشترکات اخلاقی، باورها، ارزشها، رسوم و هنجارهای مشابه معمولاً در جوامع کوچکتر - مانند کاشان - بیشتر و نیرومند تر از جوامع مدرن و کلانشهرهاست بنابراین انتظار می رود در چنین جوامعی میزان کلی احساس امنیت در سطح نسبتاً مطلوبی قرار داشته باشد مگر اینکه در برهه هایی از زمان، وضعیت ها و رخداد های خاصی این حالت طبیعی را بر هم بزند. همسو با نظریه همبستگی، نظریه سرمایه اجتماعی (پاتنام، کلمن، بوردیو و...) نیز ظرفیت آنرا دارد تا احساس امنیت را بخوبی تبیین نماید. سرمایه اجتماعی از اجزایی تشکیل شده که مهمترین آنها اعتماد، مشارکت، روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی هستند. هر گاه این مولفه ها از سطوح فردی و خانوادگی فراتر رفته و در سطح جامعه عمومیت یابند طبعاً نتایج با ارزشی به همراه خواهند آورد، اما در صورت نقص و اختلال، کارآیی مفید خود را که تسهیل روابط اجتماعی، کاهش نظام دیوانسالاری، عدالت، آزادی، توسعه اقتصادی و ارتقاء فرهنگی است از دست میدهد. از بسترهای اصلی رشد و گسترش سرمایه اجتماعی، خانواده است اما محله، مدرسه، و محیط های شغلی نیز می توانند پرورشگاه سرمایه اجتماعی باشند. وجود سرمایه اجتماعی در محیطی که افراد زندگی می کنند چتر حمایتی نیرومندی برای آنان ایجاد می کند تا بتوانند بسیاری از مشکلات خود را سریع و آسان حل و فصل نمایند. در فضایی که در آن سرمایه اجتماعی موج می زند، و در پی آن احساس امنیت و آسودگی خاطر نیز گسترش می یابد، اما در محیطی که سرمایه اجتماعی نیست یا ضعیف است، احساساتی چون بی پناهی، بی دفاعی، آسیب پذیری در مقابل حوادث و احساس عدم امنیت حاکم می گردد.

^۲ Essential security

^۳ Primary trust

^۴ Social solidarity Theory

در توضیح امنیت و احساس امنیت، رویکرد های فمینیستی آندسته ساختارها و نهاد های اجتماعی و تاریخی که زمینه ساز بروز انواع خشونت اعم از خشونت های فرهنگی، ساختاری و فیزیکی بویژه علیه زنان می شوند را مورد نقد قرار داده و موضوع آسیب پذیری زنان را در کانون توجه خود قرار می دهند. این رویکرد توجه ویژه ای را به تفاوت میزان آسیب پذیری زنان و مردان در جامعه و بنابراین، تفاوت میزان احساس امنیت در این دو گروه معطوف می کند. تفاوت میزان احساس امنیت زنان و مردان، در تحلیل های فمینیستی انتزاعی نیست بلکه با استناد به برخی واقعیت هاست: نخست اینکه، "جایگاه اجتماعی" زنان در اغلب جوامع با مردان متفاوت و نابرابر است. زنان در موقعیت هایی کم بهادر و پایین تر از مردان زندگی خانوادگی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی و حتی دینی خود را سپری می کنند و این جایگاه پایتتر آنها را در معرض آسیب پذیری بیشتر و در نتیجه احساس امنیت کمتری قرار می دهد. دوم اینکه، "تجارب روز مره" زنان با تجارب زیسته و روزمره مردان متفاوت بوده و این تجارب نیز عمدتاً در پیوند با جایگاه فرودستانه زنان بویژه در زندگی خانوادگی است. به عبارت دیگر، زنان تجربه روزمره زندگی در موقعیتهایی را دارند که همواره باید تحت حمایت و قیمومت یک "دیگری" یعنی مردها (پدر، شوهر، برادر، و...) باشند و ازاینرو بسیاری اوقات ممکن است حتی از ناحیه همین حامیان و قیم های خود نیز آسیب پذیر بوده و در نتیجه احساس امنیت کمتری نسبت به مردان داشته باشند (افشانی و ذاکری هامانی، ۱۳۹۱)

در تبیین احساس امنیت، گروهی از نظریه پردازان همچون مکتبایر (۱۹۶۷)، باکس، هیل و اندروز (۱۹۸۸) کانون توجه خود را آسیب پذیری های فیزیکی، روانی و اقتصادی انسانها قرار داده و براین باورند که هرچقدر امکان آسیب پذیری بیشتر باشد احساس امنیت هم کمتر خواهد بود. مفهوم آسیب پذیری در اینجا از موضوع جنسیت زنانه که فمینیستها مطرح کرده اند فراتر می رود و بطور کلی به گروههایی از افراد اشاره دارد که بیش از بقیه احتمال می دهند در معرض جرم و ناامنی قرار گیرند، اما چون فاقد امکان دفاع موثر، اقدامات حفاظتی و یا حتی فرار هستند، پیش بینی می کنند که به طور جدی در معرض تهاجم خواهند بود (قدیر بخشی و سهراب زاده ۱۳۹۹). مفهوم آسیب پذیری بر چنین وضعیتی دلالت دارد و احساس ناامنی، پیامد طبیعی آن برای این افراد خواهد بود. مفهوم آسیب پذیری دارای ابعادی فردی و موقعیتی است، ویژگیهایی چون جنسیت، سن و موقعیت اقتصادی- اجتماعی به ابعاد فردی آسیب پذیری مربوط می شوند، اما ابعاد موقعیتی آسیب پذیری، شامل میزان تأثیرگذاری انسان بر محیط فیزیکی، قرار گرفتن در معرض جرم و فقدان کنترل بر موقعیت آسیب زا میشود. در نظریه آسیب پذیری، همانطور که فمینیستها گفته اند، جنسیت بیشترین قابلیت را برای توضیح و پیش بینی احساس ناامنی دارد. مطالعات بسیاری رابطه بین این دو پدیده را تأیید کرده و نشان داده اند معمولاً زن ها بیش از مردها احساس ناامنی را گزارش میکنند. دومین عاملی که ذیل رویکرد آسیب پذیری جا میگیرد، سن است. علاوه براین، بنظر کوک و همکارش (۱۹۷۶) افراد مسن و سالمند نیز بیش از دیگران می ترسند و این ترس ممکن است آنها را در خانه هایشان محبوس کند (قدیر بخشی و سهراب زاده، ۱۳۹۹). بهر تقدیر، نظریه آسیب پذیری به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع این پژوهش پیوند می خورد زیرا احساس آسیب پذیری در افراد طی سالهای اخیر در شهرهای ایران از جمله کاشان روند افزایشی داشته است. توسعه فقر، گرانی و تورم از یکطرف، و کاهش قدرت خرید مردم از طرف دیگر باعث شده تا ناهنجاریهای اقتصادی مثل سرقت، کلاهبرداری، زورگیری، کیف قاپی، موبایل قاپی و... افزایش یابد و مردم دیگر مانند گذشته احساس امنیت نکنند و آسوده خاطر در خیابان، پارک و یا ساعات خاصی از شبانه روز نتوانند حضور یابند. وقوع التهابات سیاسی اجتماعی و نحوه برخورد با آن نیز احساس آسیب پذیری را در بخشهای بزرگی از جامعه بویژه زنان و دختران، دانشجویان، معلمان، روزنامه نگاران و... افزایش داده و در آنان حالتی از بی دفاعی و بی پناهی را شکل داده است. گسترش اعتیاد بویژه در کاشان نیز آسیب پذیری را در خانواده ها افزایش داده و امروزه بسیاری از والدین احساس امنیت کمتری نسبت به گذشته ها دارند چون هر لحظه احتمال دارد فرزندانشان گرفتار مواد مخدر صنعتی که براحتی و ارزان در سطح شهر پیدا می شود بشوند.

در ریشه یابی احساس امنیت شهروندان، برخی پژوهشگران عواملی چون: مشکلات اقتصادی، مهاجرت، به خطر افتادن هویت فردی، قومی و یا ملی، هنجارهای اجتماعی معین، جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد، جنسیت، میزان امنیت مالی، افول کلی سرمایه اجتماعی، تزلزل ارزشها و هنجارها، جرایم اجتماعی، حجم خانواده، تحصیلات، نحوه انجام وظیفه نیروی انتظامی، ضابطه مندی پلیس و نحوه تعامل پلیس با سازمان های دولتی را دخیل دانسته اند. برخی نیز احساس محرومیت نسبی و احساس بی قدرتی را موجب کاهش احساس امنیت اما متقابلاً، حمایت اجتماعی را تقویت کننده احساس امنیت می دانند (ابراهیم پور و دیگران، ۱۳۹۹). "رسانه های جمعی" نیز یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر احساس امنیت تلقی می شود. گابریل تارد در کتاب خود "عقیده و مردم" تأکید میکند که مردم تحت تاثیر رسانه ها قرار دارند و افکار و تمایلات اشخاص یا گروهها غالباً توسط رسانه ها بین مردم پخش میگردد. در این رابطه، او تقلید و تلقین را پایه رفتارهای انسان و کلید درک آن میداند. بنظر وی رسانه ها میتوانند با اخبار و گزارشات خود در تقویت این دو پدیده نقش مهمی ایفا کنند و چه بسا در مواردی احساس ترس و نا امنی نیز می تواند از طریق این رسانه ها در سطح جامعه گسترش یابد. در همین رابطه، چارلز رایت یکی از آثار نامطلوب رسانه ها را ایجاد نگرانی و اضطراب بواسطه پخش زیاده از حد اخبار و گزارشات بویژه خبرهای تلخ و منفی که باعث احساس نگرانی و ناامنی میشوند می داند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۹). در حقیقت، رسانه های جمعی با انتخاب موضوعات تنش زا و گزارشهایی که آرامش را از جامعه سلب می کند می توانند باعث گروه محوری و تشدید تضادهای اجتماعی شده و احساس امنیت را در مردم کاهش دهند. نحوه انتخاب موضوع و شیوه گزارش دادن آن در رسانه ها می تواند همچون یک شمشیر دولبه عمل نماید، اگر صلح آمیز باشد باعث تقویت آرامش و احساس امنیت می شود اما اگر چالش برانگیز، منفی و اغراق آمیز باشد طبعاً بر نگرانی و اضطراب جامعه می افزاید. "سرمایه فرهنگی" نیز در مواردی بر احساس امنیت موثر است. جلوه ای از سرمایه فرهنگی آن چیزی است که به عنوان کالاهای فرهنگی میشناسیم (سرمایه فرهنگی عینیت یافته)، اما جلوه دیگر سرمایه فرهنگی خود را در عادات و نگرشهای افراد جامعه نمایان میسازد. در این معنا، سرمایه فرهنگی، تمایلات، عادات و نگرشهایی را شامل می شود که امکان مدیریت شرایط و بهره گیری از ظرفیتهای بالقوه را به انسان میدهند تا ضمن افزایش ابعاد شناختی و معرفتی خود، بهتر بتواند رخداد های غیر منتظره را مدیریت نماید که طبعاً از اینطریق احساس امنیت نیز تقویت خواهد شد (ابراهیم پور و همکاران، ۱۳۹۹).

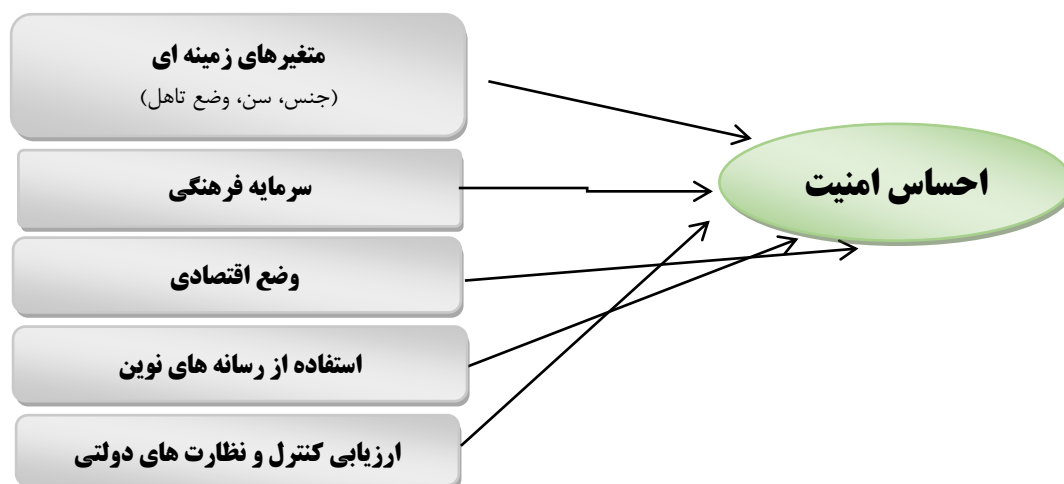
پیشینه پژوهش

احساس امنیت موضوعی است که در داخل و خارج کشور مورد توجه محققان قرار داشته و پیرامون آن در حوزه جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی و برخی رشته های دیگر تحقیقاتی انجام شده که مرور کوتاهی بر آنها خالی از فایده نیست. در پژوهشی در سال ۱۳۸۸ صادقی فسایی و میرحسینی در تهران دریافتند که جنسیت در تبیین احساس نا امنی نقش پر رنگی دارد و دریافتند که در بین زنان، عواملی چون نوع جامعه پذیری افراد، تجربه خشونت، ترس از تجاوزجنسی، معماری و طراحی مردانه شهرها، عدم حمایت های قانونی، ترس از برچسب خوردن، مهاجرت، بارداری، غریبگی، بیماری و معلولیت، علل اصلی ترس و احساس ناامنی است. زنان جوان بیشتر از آزارهای جنسی و زنان مسن بیشتر از سرقت و سانحه می ترسند (افشانی و ذاکری همامانه، ۱۳۹۱). نوروزی و سپهر نیز با انجام تحقیقی در شهر تهران در سال ۱۳۸۸ بر روی ۲۹۱۵ نفر دریافتند عواملی مانند: محل سکونت، پایگاه اقتصادی اجتماعی و احساس نظم اجتماعی، رابطه هم افزا و مستقیم، اما پابندی مذهبی رابطه ای منفی و معکوس با احساس امنیت در زنان داشته است. بیات و همکارانش نیز در سال ۱۳۸۹ در یک فرا تحلیل از مطالعات مربوط به احساس امنیت اجتماعی به این نتیجه رسیدند که طراحی

محیطی، تجربه غیر مستقیم از جرم، عملکرد رسانه و احساس محرومیت نسبی در تمام پژوهشها دارای رابطه ای معنی دار با احساس امنیت اجتماعی در شهروندان بوده است (موسوی شهیدی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهشی دیگر، نادری و همکارانش در سال ۱۳۸۹ متوجه شدند زنان بیش از مردان احساس ناامنی می کنند و رابطه معنی داری بین مخارج و هزینه های خانواده، نوع شغل افراد و محل سکونت آنها با میزان احساس امنیت وجود دارد (افشانی و ذاکری هامانه، ۱۳۹۱). قاسمی و حسینی نثار در سال ۱۳۹۱ پژوهشی با عنوان "بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در کشور" را در مراکز ۷ استان کشور شامل تهران، اهواز، اصفهان، تبریز، گرگان، سنندج و بیرجند و بین ۲۰۰۰ نفر انجام دادند و نتایج نشان داد ۵۸٪ افراد مورد مطالعه احساس امنیت کمی داشته اند و بویژه احساس "امنیت جانی" شهروندان ضعیف گزارش شده بود که در خور تامل و چاره اندیشی است. نتایج همچنین نشان داد عواملی چون: اعتماد، نوع ارزیابی از وقوع جرایم، و هزینه ماهانه خانوار با احساس امنیت ارتباط معناداری داشته اند. (شایگان ۱۳۹۱). نهایتاً، شاطریان و همکارانش نیز در سال ۱۳۹۵ در پژوهشی پیرامون ارتباط میان دینداری و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنین مناطق حاشیه ای شهرستان کاشان، به این نتیجه رسیدند که رابطه معنادار و مستقیم میان میزان دینداری و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد: هر چه میزان دینداری افراد بالاتر باشد، احساس امنیت بالاتری خواهند داشت. از میان ابعاد مختلف دینداری، جنبه اعتقادی دینداری بالا ترین میزان تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی داشت (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به توضیحاتی که ذکر شد، پژوهش حاضر بدنبال آن است که ببیند در حال حاضر، مردم کاشان چقدر احساس امنیت می کنند و چه عواملی در این درک و احساس آنها از امنیت نقش داشته است. از اینرو، سوالات و فرضیاتی چند در دستور کار بررسی این پژوهش قرار داشته است که عبارتند از:

- احساس امنیت مردم در شهر کاشان در چه سطحی است؟
 - میان متغیرهای زمینه ای (سن، جنس، وضع تاهل و...) و احساس امنیت شهروندان رابطه وجود دارد
 - میان سرمایه فرهنگی و احساس امنیت شهروندان رابطه وجود دارد
 - میان وضع اقتصادی و احساس امنیت شهروندان رابطه وجود دارد
 - میان استفاده از رسانه ها احساس امنیت شهروندان رابطه وجود دارد
 - میان نحوه ارزیابی کنترل و نظارت های دولتی با احساس امنیت شهروندان رابطه وجود دارد
- همچنین براساس فرضیاتی که ذکر شد مدل نظری پژوهش نیز به صورت زیر (شکل ۱) ترسیم و ارائه شده است.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

لازم به ذکر است، سنجش متغیرهای موجود در فرضیات تحقیق اعم از متغیرهای مستقل و وابسته، به کمک شاخصهای معینی صورت گرفته و هرکدام دارای سطح سنجش خاصی بوده اند. در جدول زیر، سطح سنجش و شاخصهای مربوط به هریک از متغیرها ارائه شده اند.

جدول ۱. مولفه ها، شاخص ها و سطح سنجش متغیرهای پژوهش

نام متغیر	سطح سنجش	شاخص ها
جنسیت	اسمی	مرد، زن
سن	فاصله ای	سالهای عمر سپری شده
وضع تاهل	اسمی	مجرد، متاهل
مقطع تحصیلی	رتبه ای	زیر دیپلم، دیپلم یا دانشجوی، لیسانس، فوق لیسانس، دکتری
احساس امنیت	فاصله ای	امنیت اجتماعی، عملکرد نیروی انتظامی، نقش قوانین در امنیت
وضع اقتصادی	فاصله ای	مخارج ماهانه خانوار، وضع امکانات زندگی، تعداد مسافرت در سال
سرمایه فرهنگی	فاصله ای	سطح تحصیلات، میزان مطالعه، میزان آشنایی با مهارتها
استفاده از رسانه ها	فاصله ای	استفاده از ماهواره، استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی
ارزیابی نظارت و کنترل های دولتی	فاصله ای	احساس نسبت به پلیس، حجاب بانها، دوربینهای نظارتی خیابانها

روش پژوهش

در این پژوهش مانند اغلب تحقیقات اجتماعی از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش را زنان و مردان ساکن در شهر کاشان تشکیل می دهد که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ معادل ۳۶۴۴۸۲ نفر بوده اند (آمارنامه استان اصفهان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اصفهان، جدول ۴-۲، ص ۸). حجم نمونه این پژوهش را ۱۱۹ نفر از زنان و مردان ساکن در شهر کاشان را تشکیل می دهد که از طریق فرمول کوکران و با دقت احتمالی یک دهم ($d=0.1$) تعیین و به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و بررسی شده اند. ابتدا از بین مناطق پنجگانه شهر کاشان به قید قرعه یک منطقه انتخاب (منطقه ۱) و سپس در بین ناحیه های آن منطقه نیز به قید قرعه یک ناحیه انتخاب (ناحیه ۲) و از بین خیابانهای موجود در آن ناحیه نیز یک خیابان (ضلع جنوبی خیابان شهید رجایی) انتخاب و پرسشگری از شهروندان در آبان ۱۴۰۲ و با حضور محقق در محل تعیین شده صورت گرفت. ابزار تحقیق را پرسشنامه ای با ۳۸ سوال بسته و چند گزینه ای تشکیل می دهد که در آن برای سنجش متغیر احساس امنیت از پرسش نامه احساس امنیت متعلق به جلیل صوابی دارای ۲۵ سوال بسته با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ استفاده شده است. برای سنجش متغیرهای سرمایه فرهنگی، وضع اقتصادی، استفاده از رسانه ها و ارزیابی کنترل و نظارت های دولتی از تعدادی سوالات محقق ساخته استفاده شده است. آلفای خرده مقیاس های سرمایه فرهنگی ۰/۶۸، ارزیابی کنترل و نظارت های دولتی ۰/۷۲، و وضع اقتصادی نیز معادل ۰/۵۱ بوده است. میزان استفاده از رسانه ها (ماهواره و اینترنت و شبکه های اجتماعی) نیز در دو سوال بصورت جداگانه از پاسخگویان پرسیده شده است.

یافته های پژوهش

الف. یافته توصیفی

در این قسمت، ابتدا به توصیف ویژگی های پاسخگویان می پردازیم. در حدود ۶۰٪ جمعیت مورد بررسی را زنان و ۴۰٪ را مردان تشکیل داده اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۱،۵ سال یعنی ابتدای میانسالی است و کوچکترین و بزرگترین پاسخگو به ترتیب ۱۸ و ۶۰ سال داشته اند. بلحاظ وضع تاهل، ۵۳،۴٪ پاسخگویان مجرد و ۴۴،۱٪ متأهل هستند. اکثریت نسبی پاسخگویان (۵۰٪) دیپلمه و یا دانشجوی هستند، اما ۲۰،۳٪ را دارندگان لیسانس، ۸،۵٪ دارندگان فوق لیسانس، و ۱۷،۸٪ را افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم تشکیل داده اند. بلحاظ میزان مطالعه، ۴۴٪ پاسخگویان اصلاً مطالعه نمی کنند، ۲۸،۸٪ ماهانه تنها یکساعت مطالعه دارند، ۹،۳٪ هفته ای یکساعت، و ۱۷،۸٪ روزانه یکساعت مطالعه می کنند. به عبارتی، از هر ۶ نفر یک نفر روزی یکساعت مطالعه می کند. بلحاظ آشنایی با مهارتها، اکثریت پاسخگویان یک مهارت و برخی نیز با دو مهارت آشنا بوده اند. تعداد اندکی نیز سه و یا چهار مهارت بلد هستند. در مورد ارزیابی پاسخگویان نسبت به نظارت و کنترل های دولتی، ملاحظه شد ۵۲٪ افراد با دیدن پلیس و نیروی انتظامی دچار ترس و اضطراب شده و ۱۷،۸٪ نیز احساس خشم و نفرت پیدا می کنند. متقابلاً، ۱۶٪ با دیدن پلیس احساس امنیت می کنند و ۱۴،۴٪ نیز دیدن پلیس برایشان عادی و معمولی است. با دیدن دوربین های خیابانها و چهارراه ها، ۶۴٪ احساس ترس و اضطراب و ۱۰٪ احساس خشم و نفرت پیدا کرده و متقابلاً ۱۰٪ احساس امنیت به آنها دست می دهد و ۱۵٪ نیز برخوردشان با این پدیده عادی و معمولی است. دیدن حجاب بانها در خیابان برای ۵۰٪ از پاسخگویان احساس امنیت بدنبال داشته اما متقابلاً ۳۰٪ دچار اضطراب و ترس و ۷٪ نیز دچار احساس خشم و نفرت می شوند. ۱۳٪ نیز دیدن حجاب بان ها در شهر برایشان پدیده ای عادی و معمولی است. بدین ترتیب، در حدود دوسوم پاسخگویان از دیدن پلیس و دوربین های سطح شهر، و حداقل یک سوم آنها از دیدن حجاب بان ها احساس عدم امنیت داشته اند. متغیرهای اصلی تحقیق نیز دارای خصوصیات معینی در جامعه مورد مطالعه بوده است که در جدول شماره دو این ویژگیها ارائه می گردد.

جدول ۲: ویژگی متغیرهای اصلی پژوهش

ویژگیهای متغیرهای اصلی تحقیق	تعداد	حداقل نمره مقیاس	حداکثر نمره مقیاس	میانگین نمره پاسخگویان	میانگین نظری مقیاس
احساس امنیت	۱۲۰	۲۵	۱۲۵	۶۲،۷	۷۵
سرمایه فرهنگی	۱۲۰	۴	۱۸	۹،۵	۱۱
وضع اقتصادی	۱۲۰	۳	۱۶	۸،۸	۹،۵
استفاده از رسانه ها	۱۲۰	۲	۸	۵	۵
ارزیابی کنترل و نظارت های دولتی	۱۲۰	۳	۱۲	۷،۴	۷،۵

نتایج جدول فوق، میانگین نمره احساس امنیت پاسخگویان (۶۲،۷) را ضعیف و پایین تر از حد متوسط یا میانگین نظری این متغیر (۷۵) نشان می دهد و آزمون T تک نمونه در این رابطه ($T = -13.9$ و $sig = 0.000$) نیز نشان داد احساس امنیت پاسخگویان بطور معناداری از حد متوسط کمتر است. میانگین نمره سرمایه فرهنگی پاسخگویان (۹،۵) نیز کمتر از سطح متوسط یا میانگین نظری (۱۱) بوده است و نتیجه آزمون T تک نمونه ($T = -5.78$ و $sig = 0.000$) در این رابطه نیز معنا دار بودن این واقعیت را تایید نمود. همچنین، میانگین نمره وضع اقتصادی پاسخگویان (۸،۸) نیز از حد متوسط یا میانگین

نظری این متغیر (۹,۵) پایین تر بوده و آزمون T تک نمونه نیز ($\text{sig.}=0.006$ و $T=-2.83$) چنین مساله ای را تایید کرده است. میانگین نمره میزان استفاده پاسخگویان از رسانه های نوین (۵) در حد متوسط و منطبق با میانگین نظری است. نتیجه آزمون T تک نمونه نیز ($\text{sig.}=0.952$ و $T=0.060$) وجود فاصله و شکاف بین دو میانگین را رد کرده و در نتیجه همسویی و انطباق میان آندو را تایید می کند. نتایج توصیفی نشان می دهند که استفاده از ماهواره در بین پاسخگویان بسیار بالاست و دو سوم آنها (۷۱,۲٪) هرروز و همیشه استفاده می کنند، اما متقابلاً، استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی پایین بوده و اغلب پاسخگویان (۸۱,۳٪) تقریباً هیچ و یا کمتر از یکساعت در روز از اینترنت استفاده می کنند. میانگین نمره ارزیابی پاسخگویان نسبت به اقدامات نظارتی و کنترلی دولت بویژه در خیابانها نیز در حد متوسط (۷,۴) و تقریباً منطبق با میانگین نظری این مقیاس (۷,۵) است. آزمون T تک نمونه نیز ($\text{sig.}=0.593$ و $T=-0.536$) تفاوت بین دو میانگین را رد کرده و همسویی و همانندی میان آندو را تایید می کند. در مجموع می توان گفت، جامعه مورد بررسی در این پژوهش از احساس امنیت پایینی است، وضع اقتصادی و سرمایه فرهنگی او کمی کمتر از حد متوسط است. استفاده از رسانه ها، و ارزیابی از اقدامات کنترلی نظارتی دولت نیز در جامعه مورد نظر در سطح متوسط است.

ب. یافته های تحلیلی

این بخش از نوشتار به تحلیل داده ها بویژه نتایج سنجش و آزمون فرضیات تحقیق اختصاص دارد. در این راستا، تلاش شده تا نقش عوامل و متغیرهای پژوهش در احساس امنیت شهروندان مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته و در انتها بتوان یک مدل تجربی برای این پدیده ارائه نمود. بنابراین، ابتدا به سنجش نقش متغیرهای زمینه ای و سپس متغیرهای اصلی پژوهش می پردازیم. برای سنجش متغیرهای ترتیبی اسمی- فاصله ای، ترتیبی- ترتیبی، و ترتیبی- فاصله ای موجود در فرضیات، از آزمونهای همبستگی پیرسون، T و F استفاده شده است (حبیب پور و صفری شالی، ۱۳۸۸).

فرضیه ۱) میزان احساس امنیت در زنان و مردان متفاوت است.

به منظور سنجش تفاوت میزان احساس امنیت در دو گروه زنان و مردان از آزمون T استفاده شد. البته قبل از آزمون نسبت به پیش فرض های نورمالیته بودن توزیع نمرات در هرگروه، و همگنی واریانس نمرات گروه ها اطمینان حاصل شد. جدول شماره ۳ نشانگر نتیجه آزمون t میان جنسیت (متغیر مستقل) و بیگانگی احساس امنیت (متغیر وابسته) میباشد:

جدول ۳: نتایج آزمون T بین جنس و احساس امنیت

جنسیت	میانگین نمره	انحراف معیار	ضریب آزمون T	درجه آزادی df	سطح معناداری Sig.
مردان	۶۶,۱	۸,۱۰	۳,۳۰	۱۱۳	۰,۰۰۱
زنان	۶۰,۴	۹,۵۹			

باتوجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۳ ($\text{sig.}=0.001$ و $T=3.30$) میتوان ملاحظه کرد بین زنان و مردانی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند، از نظر میزان احساس امنیت تفاوت جدی و معنادار وجود دارد و بنابر این فرضیه پژوهش تایید می شود. بر اساس میانگین نمرات به دست آمده میتوان دریافت احساس امنیت در زنان بشکل قابل توجهی کمتر از مردان است و در واقع زنان مورد مطالعه در سطح شهر کاشان احساس امنیت کمتری داشته اند.

فرضیه ۲) میان سن و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه فوق و باتوجه به فاصله ای بودن دو متغیر احساس امنیت و سن، آزمون همبستگی پیرسون (r) مورد استفاده قرار گرفت. البته قبل از اجرای این آزمون در مورد پیش فرض های نورمال بودن توزیع نمرات، و خطی بودن رابطه دو متغیر اطمینان حاصل شد. جدول شماره ۴ بیانگر نتایج آزمون همبستگی میان سن و احساس امنیت است.

*جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون پیرامون سن و احساس امنیت

متغیرها	تعداد (N)	نمره همبستگی (r)	سطح معناداری (sig)
احساس امنیت - سن و سال	۱۱۹	0.11	0.242

باتوجه به نتایج جدول ۴ ($\text{sig}=0.001$ و $T=3.30$) رابطه معناداری میان سن و احساس امنیت وجود نداشته و فرضیه پژوهش تایید نمی شود. به عبارتی، میزان احساس امنیت در سنین مختلف تفاوت جدی و معناداری با یکدیگر نداشته است.

فرضیه ۳) میزان احساس امنیت بر حسب وضع تاهل پاسخگویان متفاوت است.

برای سنجش تفاوت احساس امنیت در مجردها، متاهلین و سایر افراد (مطلقه و بیوه) از آزمون f یا تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. جدول شماره ۵ بیانگر نتیجه آزمون f میان وضع تاهل و احساس امنیت (متغیر وابسته) است.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) بین وضع تاهل و احساس امنیت

منبع تغییرات	درجه آزادی	جمع مجزورات	میانگین مجزورات	ضریب آزمون f	سطح معناداری
بین گروهی	۲	۶۱,۵۲	۳۰,۷۶	۰,۳۴۴	۰,۷۱۰
درون گروهی	۱۱۲	۱۰۰۲۲	۸۹,۴۸		

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول فوق ($\text{sig}=0.710$ و $F=0.344$) فرضیه پژوهش مورد تایید نیست و میتوان گفت میزان احساس امنیت در متاهل ها، مجردها و سایرین (مطلقه و بیوه ها) تفاوت جدی و معناداری با یکدیگر نداشته و تقریباً مشابه بوده است. در حقیقت وضع تاهل افراد مورد مطالعه، نقشی در میزان احساس امنیتی که میکنند نداشته است. علاوه بر سنجش رابطه متغیرهای زمینه ای، رابطه متغیرهای اصلی تحقیق با احساس امنیت نیز از طریق آزمون همبستگی پیرسون مورد سنجش قرار گرفت و البته قبل از آزمون، نسبت به پیشفرض های نورمالیته، همگنی واریانس گروه ها، و خطی بودن رابطه متغیرهای فرضیات اطمینان حاصل شد. فرضیاتی که در این رابطه آزمون شده اند عبارتند از:

فرضیه ۴) میان سرمایه فرهنگی شهروندان و میزان احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.

فرضیه ۵) میان وضع اقتصادی شهروندان و میزان احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.

فرضیه ۶) بین استفاده شهروندان از رسانه های نوین و میزان احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.

فرضیه ۷) بین ارزیابی شهروندان از کنترل و نظارت های دولتی و میزان احساس امنیت در آنها رابطه وجود دارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان متغیرهای سرمایه فرهنگی، وضع اقتصادی، استفاده از رسانه های نوین، و ارزیابی شهروندان نسبت به کنترل و نظارت های دولتی با احساس امنیت شهروندان در جدول شماره شش تفکیک ارائه شده است.

*جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی (r) میان متغیرهای اصلی پژوهش با "احساس امنیت"

متغیرها	ضریب ازمن	سطح معناداری (sig)	نتیجه آزمون
سرمایه فرهنگی - احساس امنیت	$r = -0.096$	۰,۳۰۹	رد فرضیه و عدم ارتباط
وضع اقتصادی - احساس امنیت	$r = -0.125$	۰,۲۱۳	رد فرضیه و عدم ارتباط
استفاده از رسانه ها - احساس امنیت استفاده از ماهواره - احساس امنیت استفاده از اینترنت و شبکه اجتماعی - احساس امنیت	$r = -0.194$ $r = -0.263^{**}$ $r = ۰,۰۴۳$	$r = ۰,۰۳۸$ $\text{sig} = ۰,۴۹۳$ $\text{sig} = ۰,۶۵۱$	تایید فرضیه و وجود ارتباط
کنترل و نظارت های دولتی - احساس امنیت	$r = 0.401$	۰,۰۰۰	تایید فرضیه و وجود ارتباط

نتایج جدول ۶ نشان می دهد میان متغیرهایی چون سرمایه فرهنگی و وضع اقتصادی پاسخگویان با احساس امنیت بدلیل بزرگتر از ۰,۰۵ بودن سطح معناداری در هر دو آزمون، رابطه معناداری وجود ندارد و بنابراین فرضیه های مربوط به این دو متغیر (فرضیات ۴ و ۵) رد می شوند. به عبارتی، کم و زیاد بودن سرمایه فرهنگی میزان احساس امنیت در افراد را افزایش یا کاهش نمی دهد و نقشی در این رابطه ندارد. همچنین، وضع اقتصادی افراد نیز نقش و تاثیری در میزان احساس امنیت آنها نداشته است یعنی مثلاً افراد ثروتمند تر اینطور نیست که از افراد کم درآمد تر احساس امنیت بیشتر و یا کمتری داشته باشند.

در همین حال، نتایج جدول ۶ نشان می دهد بین متغیرهای استفاده از رسانه و ارزیابی از کنترل و نظارت های دولتی با احساس امنیت بدلیل بزرگتر از ۰,۰۵ بودن سطح معناداری در هر دو آزمون، رابطه معنادار وجود دارد و بنابراین فرضیه های مربوط به این دو متغیر (فرضیات ۶ و ۷) تایید می شوند. رابطه میان استفاده از رسانه ها و احساس امنیت رابطه ای معکوس بوده و نشان می دهد هرچه قدر میزان استفاده از رسانه های نوین بویژه ماهواره بیشتر باشد احساس امنیت کمتری را برای فرد بدنبال می آورد. در این رابطه، پخش اخبار و گزارشات تلخ و تش آلود از شبکه های ماهواره ای آنهم بصورت همه روزه و از سراسر جهان و نیز اکران فیلم های سینمایی و سریال های اکشن که در آن خشونت، آسیب زدن و هراس افکنی زیاد است می تواند در تزریق احساس نا امنی در وجود افرادی که زیاد ماهواره نگاه می کنند - ۷۲٪ پاسخگویان - تاثیری به همراه داشته باشد. البته نحوه انتخاب برنامه ها و فیلم ها توسط پاسخگویان را نیز نباید فراموش کرد زیرا گزارشات علمی آموزشی، اقتصادی، ورزشی، هنری، مستندهای اجتماعی و فرهنگی، و فیلمهایی که صرفاً جنبه هیجان و سرگرمی نداشته باشند نیز در برنامه های ماهواره ای کم نیستند بنابراین بنظر می رسد انتخاب مناسب برنامه ها توسط افراد می تواند نقش منفی ماهواره را در احساس امنیت شهروندان اصلاح و تعدیل نماید.

براساس نتایج جدول ۶ رابطه میان ارزیابی از کنترل و نظارت های دولتی با احساس امنیت نیز معنادار ولی یکنوع رابطه مستقیم و هم افزا بوده است. در اینجا رابطه مستقیم بدین معناست که هرچه قدر ارزیابی شهروندان از کنترل و نظارت های دولتی در سطح خیابانهای شهر اعم از پلیس، دوربین ها و حجاب بانها که مردم را زیر نظر دارند مثبت تر بوده است با دیدن این عوامل نظارتی احساس امنیت بیشتری داشته اند اما هرچه قدر نگرش و ارزیابی شهروندان نسبت به این کنترل و نظارت ها منفی تر بوده است با دیدن عوامل نظارتی در سطح شهر - بویژه نیروهای پلیس و دوربین های کنترلی - احساس نگرانی و ناامنی بیشتری به آنها دست داده است. چنانچه قبلاً اشاره شد، دو سوم پاسخگویان از مشاهده نیروی انتظامی و دوربین های کنترلی در خیابانها و چهارراه ها احساس اضطراب یا خشم و تنفر پیدا کرده اند.

در پایان این قسمت، شناخت تاثیر کلی متغیرهای اصلی پژوهش در میزان احساس امنیت شهروندان مورد توجه قرار گرفته و در این رابطه، بنظر روش شناسان، تحلیل رگرسیون چند متغیره روشی است بسیار مناسب برای تجزیه و تحلیل مشارکت جمعی چند متغیر مستقل در تغییرات یک متغیر وابسته (کرلینجر، ۱۳۸۴). بدین منظور از شیوه همزمان در آزمون رگرسیون استفاده شد و متغیرهای اصلی پژوهش به یکباره وارد تحلیل رگرسیونی شده اند. البته قبل از انجام آزمون رگرسیون، در مورد پیش فرضهای آن (نورمالیته بودن توزیع نمرات، فاصله ای بودن متغیرها، عدم همخطی متغیرهای پیش بین و...) اطمینان حاصل شد. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره در جدول شماره ۷ ارائه می گردد.

جدول ۷: نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای اصلی پژوهش و احساس امنیت

متغیرهای اصلی پژوهش	ضریب همبستگی چندمتغیره R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین استاندارد	تحلیل واریانس (F)	سطح معناداری (sig)
*سرمایه فرهنگی *وضع اقتصادی *استفاده از رسانه *ارزیابی از کنترل و نظارتهای دولتی	۰,۴۲۴	۰,۱۸۲	۰,۱۴۶	۵,۲۲	۰,۰۰۱

براساس نتایج حاصله در جدول شماره ۷ مقدار آزمون (F) در سطح معناداری (0.001) معنادار است و بنابراین می توان گفت میان مجموعه متغیرهای اصلی پژوهش با متغیر وابسته (احساس امنیت) در معادله رگرسیونی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی چندمتغیره (0.424) نیز نشان دهنده همبستگی متوسط میان متغیرهای مستقل (پیش بین) و متغیر وابسته (ملاک) می باشد. نهایتا مقدار ضریب تعیین (0.182) بیانگر واریانس یا تغییرپذیری متغیر وابسته (احساس امنیت) توسط مجموعه متغیرهای سرمایه فرهنگی، وضع اقتصادی و... بوده است و نشان می دهد عوامل چهارگانه یا متغیرهای اصلی پژوهش توانسته اند ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یا همان احساس امنیت را پیش بینی کنند.

بحث و نتیجه گیری

موضوع مورد بررسی در این پژوهش را احساس امنیت شهروندان و برخی عوامل موثر بر آن تشکیل می دهد. این پژوهش به روش پیمایشی در پاییز ۱۴۰۲ و در شهر کاشان انجام گرفته است. جمعیت نمونه ای متشکل از ۱۱۹ نفر شهروندان کاشانی به شیوه نمونه گیری خوشه ای و به کمک پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند و داده های بدست آمده به کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. این پژوهش کار خود را با یک سوال و چند فرضیه آغاز و در فرایند تحقیق به نتایجی دست یافت که در این بخش پایانی بدانها اشاره می شود.

نخستین سوال مد نظر در این پژوهش، مساله میزان احساس امنیت شهروندان در شهر کاشان بویژه در سطح شهر و خیابانها بوده است. نتایج بدست آمده نشان داد میزان احساس امنیت در شهروندان ضعیف بوده و ۱۳ نمره کمتر از حد متوسط (۷۵) است. با دسته بندی نمرات پاسخگویان در سه طبقه احساس امنیت کم، متوسط و زیاد، مشخص شد ۳۰٪ پاسخگویان احساس امنیت کم و ۶۸٪ احساس امنیت متوسطی دارند اما هیچ یک از پاسخگویان در مقوله احساس امنیت زیاد و مطلوب قرار نداشته است. نتیجه ای که بیانگر وجود احساس نگرانی و ناامنی در مردم بواسطه عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و

.... در سالهای اخیر است. برای بررسی برخی عواملی که در میزان احساس امنیت شهروندان نقش داشته اند فرضیاتی چند در دستور پژوهش قرار گرفت که نتایج بدست آمده امکان توضیح در باره سرانجام این فرضیات را می دهد.

اولین فرضیه پژوهش بررسی نقش جنسیت در میزان احساس امنیت افراد بوده است. طبق نتایج آزمون مقایسه میانگین گروههای مستقل T مشخص شد بین زنان و مردانی که مورد بررسی قرار گرفتند از نظر میزان احساس امنیت تفاوت جدی و معنادار وجود دارد و در نتیجه فرضیه مورد نظر تایید شد. با توجه به میانگین های به دست آمده احساس امنیت در زنان به طور قابل ملاحظه ای کمتر از مردان بوده و این نتیجه هم با نظریات آسیب پذیری و فمینیستی و هم با نتایج بسیاری از پژوهشهای داخلی و خارجی منطبق است. بعنوان نمونه، در پژوهشی که بل در استرالیا در سال ۱۹۹۸ انجام داده بود نقش جنسیت در احساس امنیت تایید شده و مشخص شد زنان در بسیاری از اوقات و بیش از مردان احساس نا امنی می کنند. پژوهش صادقی فسایی و میرحسینی در تهران و در سال ۱۳۸۸ نیز نشان داد جنسیت از متغیرهایی است که در پیش بینی ترس و احساس ناامنی افراد نقش کلیدی دارد. در توضیح علل احساس ناامنی بویژه در زنان، این دو محقق دریافتند عواملی چون: نوع جامعه پذیری، تجربه خشونت، ترس از تجاوزجنسی، معماری و طراحی مردانه شهرها، عدم حمایت قانون، ترس از برچسب خوردن، بارداری، غریبگی، بیماری و معلولیت، در واقع دلایل عمده ترس و احساس ناامنی در زنان هستند. براساس همان پژوهش، زنان جوان بیشتر از آزارهای جنسی و زنان مسن بیشتر از سرقت و سانحه می ترسند.

دومین فرضیه ناظر بر رابطه میان سن و احساس امنیت بوده است اما با توجه به نتایج آزمون روشن شد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد و بنابر این فرضیه مربوطه نیز رد میشود. به عبارتی، کم و زیاد بودن سن و سال افراد اثری بر میزان احساس امنیت آنها ندارد.

سومین فرضیه مبنی بر این بود که احساس امنیت بر حسب وضع تاهل پاسخ گویان متفاوت است. طبق نتایج آزمون مقایسه میانگین های f معلوم شد میان مجردها، متاهل ها و سایرین (مطلقه یا بیوه) میزان احساس امنیت تفاوت جدی و معناداری را نشان نمی دهد و بنابراین فرضیه مربوطه نیز رد شد. در حقیقت، وضع تاهل افراد نقش و تاثیری در میزان امنیتی که افراد در شهر احساس می کنند نداشته است

چهارمین فرضیه به سنجش رابطه میان سرمایه فرهنگی و احساس امنیت می پردازد. با توجه به نتایج آزمون معلوم شد این فرضیه رد شده و میان احساس امنیت و سرمایه فرهنگی رابطه وجود ندارد. به عبارتی، کم و زیاد بودن سرمایه فرهنگی افراد نقشی در کم و زیاد شدن احساس امنیت در آنها ندارد. این نتیجه با نتایج پژوهش ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۹) مبنی بر اینکه سرمایه فرهنگی - بویژه از نوع تجسم یافته آن - امکان مدیریت شرایط و بهره گیری از ظرفیتهای بالقوه را به انسان میدهد تا بهتر بتواند رخدادهای غیر منتظره را مدیریت کند و از اینطریق احساس امنیت نیز تقویت گردد ناهمسو و ناسازگار است. در جامعه مورد مطالعه این پژوهش، سرمایه فرهنگی کمک چندانی به افزایش احساس امنیت در افراد نکرده است.

پنجمین فرضیه مبنی بر این که میان وضع اقتصادی و نگرش به احساس امنیت رابطه وجود دارد نیز با توجه به نتایج آزمون همبستگی رد شده و مشخص شد بین احساس امنیت و وضع اقتصادی پاسخ گویان رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی، کم در آمد یا پر درآمد بودن افراد اثری بر کم یا زیاد شدن احساس امنیت در آنها نداشته است. چنین نتیجه ای نیز دور از انتظار بود زیرا معمولا توان اقتصادی به تقویت اعتماد بنفس و احساس امنیت در افراد کمک می کند لیکن در شهر کاشان گویا عوامل نیرومندتری درکارند که اجازه اثر گذاری بر احساس امنیت را به عواملی چون سرمایه های فرهنگی و اقتصادی نمی دهند. این درحالی است که در نگاه جامعه شناسانی چون بوردیو، از بین انواع سرمایه ها (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نمادین)، سرمایه های فرهنگی و اقتصادی از همه مهمتر هستند و بر بسیاری از جنبه های زندگی انسانها تاثیرات جدی بر جای می گذارند.

ششمین فرضیه پژوهش، رابطه میان میزان استفاده از رسانه های نوین و احساس امنیت را مورد بررسی قرار داده است. با توجه به نتایج آزمون همبستگی این فرضیه تایید شد و نشان داد بین دو متغیر احساس امنیت و استفاده از رسانه های نوین رابطه وجود داشته و این رابطه معکوس و در سطح ضعیف است. به عبارتی هرچهقدر استفاده از اخبار، گزارشات و فیلمهای رسانه های نوین بویژه شبکه های ماهواره ای بیشتر باشد می تواند تا اندازه ای احساس امنیت را در افراد کاهش دهد. این نتیجه بطور کلی همسو با نتایج پژوهش بیات و همکارانش (۱۳۸۹) است که در پژوهش خود به تاثیر عملکرد رسانه ها بر احساس امنیت اجتماعی تاکید کرده اند.

آخرین فرضیه پژوهش رابطه میان ارزیابی افراد از نظارت و کنترل های حکومتی و احساس امنیت را سنجیده است. با توجه به نتایج آزمون همبستگی، این فرضیه تایید شد و نشان داد میان دو متغیر میزان احساس امنیت و نحوه ارزیابی از نظارت و کنترل های دولتی رابطه مستقیم و در حد متوسط وجود دارد. به عبارتی، هرچه ارزیابی افراد نسبت به کنترل و نظارتهای دولتی در سطح شهر و خیابانها مثبت تر، احساس امنیت هم در آنان بیشتر اما هرچه ارزیابی افراد از کنترل و نظارت های دولتی در خیابانها و سطح شهر منفی تر، احساس امنیت هم در این افراد کمتر بوده است. بطور خلاصه، افراد خوشبین به کنترل و نظارتهای حکومتی، با دیدن دوربین و پلیس و حجاب بان ها در خیابان های سطح شهر احساس امنیت و آرامش بیشتری پیدا می کنند. اما با توجه به اینکه میزان احساس امنیت در جامعه مورد بررسی ضعیف و پایین تر از حد متوسط بدست آمده است بنابراین در مجموع، خوشبینی چندانی نسبت به کنترل و نظارتهای دولتی در سطح شهر وجود نداشته و ارزیابی ها از این پدیده چندان مثبت نیست. به عبارتی، تایید این فرضیه، گویای این واقعیت است که احساس امنیت پایین در پاسخگویان معادل ارزیابی منفی آنها از کنترل و نظارتهای دولتی در سطح معابر و خیابانهاست.

با توجه به نتایجی که بدست آمد، پیشنهاد می شود نهادهای رسمی در کاشان با اعتماد و سعه صدر بیشتری نسبت به شهروندان بویژه دختران و زنان برخورد نموده و نصب دستگاههای نظارتی و حضور نیروهای کنترل کننده در سطح شهر را به حداقل لازم کاهش دهند تا از اینطریق میزان سرمایۀ اجتماعی در سطح شهر افزایش یافته و آرامش و احساس امنیت در شهروندان بویژه زنان و دختران تا اندازه ای تقویت شود. در شرایطی که جامعه نیازمند بازسازی اعتماد عمومی و همبستگی است فراوانی نیروهای پلیس، لباس شخصی ها و دوربین های نظارتی در خیابانها و معابر شبیه بی اعتمادی یا کم اعتمادی به شهروندان را ایجاد می کند و طبعاً شهر کاشان با غنای مذهبی، فرهنگی و کارآفرینی خود شایسته چنین نگاهی نیست.

منابع

- ابراهیم پور داود، حبیب زاده اصحاب، خاله اوغلی چرنابی زینب. ۱۳۹۹. عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی در میان حاشیه نشینان و غیرحاشیه نشینان شهر تبریز. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۶۴: ۴۷-۷۰.
- افشانی، سید علیرضا، ذاکری هامانی راضیه، ۱۳۹۱. مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد، فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دور ۱، شماره ۳: ۱۳۵-۱۶۲.
- بون ویتز پاتریس. ۱۳۹۱. درسهای از جامعه شناسی پی یر بوردیو. ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پور سفیر. تهران: نشر آگه.
- رفیعی حسن رضا، مداحی جواد، خلیج حامد، ۱۳۹۹، رابطه دینداری و رسانه های جمعی با احساس امنیت در شهر زاهدان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۶۲، ۸۷ تا ۱۰۸
- شایگان، فریبا، ۱۳۹۲ دینداری و احساس امنیت: مطالعه موردی دانش آموزان دختر شهر تهران. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ی چهارم، شماره ۱۵، ۱۶۹-۱۹۹

صحابی، جلیل، (۱۳۸۹)، شناسایی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

عبداللہی حکیم، شہابی روح اللہ، محقق نیا حامد، اکبرزادہ فریدون، ۱۳۹۹، تاثیر کارکرد سیاسی اجتماعی صدا و سیماي مرکز خوزستان بر احساس امنیت مردم: مورد مطالعه: شهر اهواز. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۶۳، ۱۴۹ تا ۱۸۷
قدیربخشی، چغتاب و سہراب زادہ مہران، ۱۳۹۹، تبیین جامعہ شناختی رابطہ عملکرد پلیس جامعہ محور و احساس امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۶۳: ۲۱۵-۲۴۲.

کرلینجر فرد. ان، ۱۳۸۴، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمہ حسن پاشاشریفی و جعفرنجفی زند، انتشارات آوای نور.
گیدنز آنتونی، ۱۳۷۷. جامعہ شناسی. ترجمہ منوچہر صبور. تہران: نشرنی
گیدنز آنتونی، ۱۳۸۱. جامعہ شناسی. ترجمہ منوچہر صبور. تہران: نشرنی
موسوی شہیدی و همکاران. فرا تحلیل مطالعات مربوط بہ امنیت اجتماعی، سایت ادارہ کل پژوهشہای رسانہ، برگرفتہ شدہ در ۲۲ مرداد ۱۴۰۲.

نویدنیا، مسعود، ۵-۱۳۸۴، گفتمان پیرامون امنیت جمعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره چہارم و پنجم.